

## چارلز هورتون، کولی

چارلز هورتون کولی چهارمین فرزند قاضی سرشناس توماس اینایر کولی در میشکان در سال ۱۸۶۲ زاده شد. پدر کولی به دلیل توانمندیش در امور حقوقی شهرت داشت او سالها قاضی و استاد حقوق بود. کولی جوان که از پدر سختگیر و موفقیت طلب خویش ناراضی بود از دوران جوانی که دارای جسمی نحیف و لکنت زبان داشت بسیار رنج می برد و برای جهت نقیصه خود تلاش فراوان می کرد. او در رشته مهندسی که بدان هیچ علاقه نداشت فارغ التحصیل شد. ضمن آنکه درسهایی را در رشته های تاریخ و فلسفه و اقتصاد نیز گذرانده بود. کولی طی این دوره و پس از آن پیوسته مطالعه می کرد، همین مطالعه دقیق آثار داروین، اسپنسر و جامعه شناسی آلمانی آلبرت شامله تصمیم گرفت که در سال ۱۸۹۰ م. برای ادامه تحصیل در اقتصاد سیاسی و جامعه شناسی به دانشگاه میشکان بازگردد. او رساله اش را با عنوان حمل و نقل نوشت که خود بررسی پیشگامانه ای در بوم شناسی انسانی بود و در ۱۸۹۴ م. درجه دکترای خود را دریافت نمود. کولی کار تدریس را در دانشگاه میشگان در سال ۱۸۹۲ شروع نمود. کولی رتبه های دانشگاهی را علی رغم تمام مشکلات جسمی و لکنت زبانش به سرعت پشت سر گذاشت. کولی در سال ۱۹۰۵ در بنیانگذاری انجمن جامعه شناسان آمریکا شرکت کرد و در بیشتر نشستهای آن حضور داشت. وی در سال ۱۹۱۸ م. به ریاست این انجمن برگزیده شد. برای پیوستن او به گروه های جامعه شناسی شناخته شده تر بود، اما او این پیشنهادها را هرگز جدی نگرفت<sup>(۱)</sup> کولی جمعاً ۳۱ مجلد کتاب به رشته تحریر در آورد که اهم آنها عبارت است از:

طبیعت انسان و نظم اجتماعی Human Nature and Social Order, 1902

۱- جوزف روسک، رولندوارن مقدمه ای بر جامعه شناسی - ترجمه: بهروز نبوی،

احد کربمی، تهران ۱۳۵۰. صفحات ۳۳۵-۳۳۶، و زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی.

Social Organization, 1909

سازمان اجتماعی

Social Process, 1918

فرایند اجتماعی

عقاید و نظرات:

«کولی» جامعه‌شناسی را یک علم عملی می‌دانست، بقول وی، «آنچه از علوم اجتماعی حق داریم بخواهیم، این است که راهنمایی عملی ما باشد.»

نظر به شخصیت و ارتباط آن با جامعه در سه مجلد مذکور در فوق مندرج است. وی مفهوم وابستگی و انفکاک ناپذیری فرد و جامعه را کمال بخشید. این جملات از اوست: «خویشتن و جامعه همزاد یکدیگرند»، «آگاهی اجتماعی قابل تفکیک از خود آگاهی نیست». بر این اساس یک «فرد جدا از جامعه» مفهوم مجردی است که هیچ کس نمی‌تواند تصورش کند؛ به همین منوال، جامعه‌ای که جدا از افراد باشد نه وجود دارد و نه قابل تصور است.

زندگی یک کل متشکل از اجزا مرتبط و لازم است. کولی، قوانین توارث را بنیاد نظریه خود قرار می‌دهد. می‌گوید که کودک از بدو تولد تحت نفوذ و سیطره گروه‌های اولیه چون، گروه بازی، و همسایگان می‌باشد. این گروه‌های اولیه با روابط چهره به چهره (رویاروی) و نزدیکی که با یکدیگر دارند، قالب تمامی ویژگی‌های شخصیت و رفتارها و گرایش‌های اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهند.

«تصور یک کودک از خویشتن چیزی نیست. مگر انعکاس و تلقی دیگران از وی. ساز و برگ نفسانی انسان قابل تقسیم به دو بخش اجتماعی و غیر اجتماعی نیست، بلکه انسان تماماً اجتماعی است... و جزیی از زندگی مشترک انسانی می‌باشد.» و در جایی دیگر می‌گوید «جامعه و فرد، دو پدیده جدا از یکدیگر نیستند و بر رویهم کل واحدی را تشکیل می‌دهند که باید با درون‌نگری ناشی از همدلی، با مخیله‌ای باز، و با بینشی هنرمندانه،